

میزگرد کنگره حقوق شهروندی با عنوان بازخوانی منشور حقوق شهروندی برگزار شد

اجرای منشور در دستور کار دولت



عکس: افشانews

اداره شایسته و حسن تدبیر می شود. تهورت بشیریه در این باره توضیح داده است: در این فصول مباحث مهمی پیش بینی شده؛ مثلاً توجه به مفهوم معنایی و مبنایی کرامت انسانی باید به مواد ذیل این مجموعه بپردازیم و بررسی کنیم که با هر کدام از مصادیق کرامت و برابری چگونه برخورد شده است؟ بحث تبعیض نژاد یا تبعیضات یکسان برای همه یا مصونیت از تعرض؛ اهانتس و توهین و تحقیر به قومیت ها و ادیان و به ویژه حق زنان در سیاست گذاری و قانون گذاری و مدیریت امور اجرایی و نظارتی از همه زمینه ها مباحث مندرج در این مبحث است. حق آزادی و امنیت شهروندی هم به مصونیت از تعرض آزادی و امنیت پرداخته است. مشارکت در تعیین سرنوشت را تنها منوط به سرنوشت سیاسی ندانستند؛ بلکه در برنامه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز این حق به رسمیت شناخته شده است. طبیعی است که مواد مورد بحث در این فصول باید مورد واکاوی دقیق قرار گیرد.

هدف دبیرخانه حقوق شهروندی

جریان سازی و گفتن است
مصطفی شعبانی، حقوقدان، استناد دانشگاه کتیل پایه یاد دادگستری و دبیر کارگروه تالیف کتاب دبیرخانه دائمی حقوق شهروندی از تالیف کتاب های حقوق شهروندی خبر داد و در ادامه افزود: هدف دبیرخانه دائمی حقوق شهروندی؛ جریان سازی و گفتن است. عرصه حقوق شهروندی حاضر در جلسات خواست یادداشت های حقوق شهروندی با حضور استادان صاحب نام و تدوین کنندگان منشور شرکت پژوهشگران مقاطع دکتری توانمند زمینه این جریان سازی علمی را فراهم آورد.

این حقوقدان در ادامه با اعلام خبر چاپ کتاب مشروح مذاکرات سلسله میزگردهای بازخوانی منشور حقوق شهروندی از پژوهشگران عرصه حقوق شهروندی حاضر در جلسات خواست یادداشت های خود را با موضوع نشست های بازخوانی منشور حقوق شهروندی برای دبیرخانه ارسال کنند تا در صورت تایید کمیته علمی در کتاب فوق چاپ و نشر یابد. کتاب مشروح مذاکرات شامل مقرراتی از استادان سخنران در سلسله میزگردهای بازخوانی منشور حقوق شهروندی و یادداشت های نقدانه شرکت کنندگان در این نشست هاست.

تصمیم بصورت مشاوره ای
مهمترین اقدام عملیاتی
مؤسس کشور، دبیر کنگره بین المللی حقوق شهروندی نیز در پایان مراسم توضیحاتی دربار فصل ث منشور حقوق شهروندی داد: در چهارمین میزگرد بازخوانی منشور: تصویب و ابلاغ مصوبه شورای عالی اداری در خصوص حقوق شهروندی در نظام اداری ایران (ابلاغی ۲۹ اسفند ۹۵) مهمترین اقدام عملیاتی ریاست جمهوری در عرصه حقوق شهروندی است. الزام نهادهای تابعه دولت به اجرای منشور و نیز مصوبه ضرورت آموزش کارکنان دولت در زمینه حقوق شهروندان در مراجعه به دستگاه های دولتی و دستور اجرایی صدور ریاست جمهوری مبنی بر تدوین و آرایه گزارش عملکرد وزارتخانه ها به صورت ۶ ماه یکبار و سپس انتقال دقیق گزارش به مردم در راستای ترویج شفافیت سازی و حق بر دانستن شهروندان؛ همگی بیانگر اهتمام ویژه دولت بر اجرای شدن مفاد منشور است. این حقوقدان در ادامه با برشمردن مواد ۶۷ تا ۱۰۴ فصل ث منشور حقوق شهروندی، شامل مواد ۱۹ تا ۲۴ به بررسی مواد ۱۹ تا ۲۴ مصوبه شورای عالی اداری در خصوص حقوق شهروندی در دستگاه های دولتی پرداخت.

یا مؤمن است، نه کرامت انسان؛ این دیدگاه در ذات خود کرامتستیزی و سرچشمه جنگ و ناسازگاری در جامعه بشری خواهد بود. به همین ترتیب اصل برابری در حقوق و تکالیف اصل مرجع در فقه اسلامی است. این تبعیض است که نیازمند به دلیل است. اگر با نگاه انتقادی به بازخوانی انواع تبعیضات پذیرفته شده در فقه راجع بپردازیم، بسیاری از آنها از حلقه ادله اجتهادی و فقاهتی عبور نخواهند کرد. هر چند آن پایه قدری رفته نوشته شده اند که گاه تغییر آنها بر برخی دشواری نماید.

بند پ منشور حقوق شهروندی به حق آزادی و امنیت شهروندی پرداخته و در سه ماده ۱۲، ۱۳ و ۱۴ موضوع را به تفصیل بررسی کرده است. در سطح این منشور می گویند: آزادی های فردی و عمومی شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شهروندی را نمی توان از این آزادی ها محروم کرد. محدود کردن آزادی های شهروندان به صورتی مجاز نیست. ماده ۱۳ نیز به این شرح است: هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، مالی، حیثیتی، حقوقی، قضائی، شغلی، اجتماعی و نظایر آن برخوردار باشد. هیچ مقامی نباید به نام تأمین امنیت، حقوق و آزادی های مشروع شهروندان و حیثیت و کرامت آنان را مورد تعرض و تهدید قرار دهد. اقدامات غیرقانونی به نام تأمین امنیت عمومی به ویژه تعرض به حریم خصوصی مردم ممنوع است.

ماده ۱۴ این قانون نیز اشاره دارد: شهروندان حق دارند در صورت تعرض غیرقانونی به آزادی و امنیت خود، در حداقل زمان ممکن و با نهایت سهولت، به مراجع و ماموران تأمین کننده امنیت عمومی، دسترسی داشته باشند. مراجع و ماموران مذکور باید بدون وقفه و تبعیض و متناسب با تعرض یا تهدیدی که متوجه شهروندان شده است و با رعایت قوانین خدمات خود ارایه دهند.

آزادی که در بند پ منشور به آن پرداخته شده، از مفاهیم بنیادین حقوق بشری است؛ دربار آزادی هم می توان پرسید: آیا به راستی آزادی حق است یا فضیلت و ارزشی است که بن مایه حق و برخورداری از حق می شود؟ اگر آزادی حق باشد، نام خانوادگی عامی است برای شمار زیادی از افراد، حق بر آزادی بیان، حق بر تشکیک سندیکا، حق بر برگزاری اجتماعات، حق بر اعتراضات مدنی و... امنیت هم از ضروری ترین نیازهای انسانی است، همان طور که منشور به خوبی منعکس کرده است، امنیت فقط وجه اجتماعی ندارد؛ امنیت فردی و شهروندی هم مهم است. بدون تضمین امنیت فردی شهروندان، امنیت در مقیاس اجتماعی آن دست نیافتنی است. قرآن مجید در مقام تریسیم آیت که شهر مطلوب و دلخواه می فرماید: آن شهری است که مردم در آن احساس امنیت کنند و آرامش درونی داشته باشند و در کنار این دو ویژگی از رفاه اقتصادی هم برخوردار باشند: ضرب الله مثلا قریه که کانت آمنه مطمئنه یا تبیها رزقها رغانا من کل مکان رغانا (نحل ۱۱۲) پس امنیت بیرونی و آرامش درونی از ارکان یک زندگی اجتماعی سالم است. از نظر قرآن مجید رهاورد دین و اعتقاد به خداوند باید راهی از گردن استرس و ترس باشد: الذی أطعمهم من جوع و أمنهم من خوف (قریش ۴)

بند ث منشور حقوق شهروندی نیز به حق مشارکت در تعیین سرنوشت اشاره کرده و این بند نیز در ۴ ماده حق مشارکت در تعیین سرنوشت را توضیح داده است. در این ماده ها مشارکت مردم و حق آنها در تعیین سرنوشت های سیاسی، اقتصادی،

حقوق شهروندی وقتی تحقق می یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن این که شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه های مختلف مشارکت داشته و در برابر مشکلات و چالش های اجتماعی، پژوهشگران، دانشجویان، فعالان اجتماعی و نه تنها در سطح محلی بلکه در سطح ملی و بین المللی هم مشارکت داشته باشند. در سطح محلی و منطقه ای، شهروندان با استفاده از ابزارهای مختلف می توانند در تعیین سرنوشت خود و جامعه خود مشارکت داشته باشند. در سطح ملی و بین المللی، شهروندان با استفاده از ابزارهای مختلف می توانند در تعیین سرنوشت خود و جامعه خود مشارکت داشته باشند. در سطح محلی و منطقه ای، شهروندان با استفاده از ابزارهای مختلف می توانند در تعیین سرنوشت خود و جامعه خود مشارکت داشته باشند.

یادداشت

دریافت اطلاعات از ارایه دهندگان IT بدون دستور قضائی جرم است

رضا باقری اصل- مدیر سابق دفتر فناوری نوین مرکز پژوهش های مجلس | بر اساس مواد ۶۶۷ و ۶۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۳ که جایگزین مواد ۳۲ و ۳۳ قانون جرایم رایانه ای هستند، در خصوص نحوه نگهداری و حفظ فوری داده ها، مواد ۶۴، ۶۵ و ۷۵ قانون تجارت الکترونیکی در خصوص حفظ اسرار تجاری ارایه دهندگان خدمات فناوری اطلاعات الزام به ارایه یا دسترسی به اطلاعات شامل داده ترافیک، ترمیم کاربران، اطلاعات مالی، فهرست مشتریان و مصادیق ذکر شده در مواد فوق بدون دستور مقام قضائی ممنوع و مصادف جرم است.

مواد ۳۳ و ۳۲ قانون جرایم رایانه ای از پشتوانه محکمات در ادبیات حقوق کیفری سایبری بین المللی نیز برخوردارند و در مهمترین اسناد این عرصه تاکنون، یعنی کنوانسیون جرایم سایبر شورای اروپا با عنوان Data Retention بازتاب یافته اند که در برابر «حفاظت از داده ها» قرار می گیرند و در کنوانسیون عنوان Data Preservation دارد. هدف اصلی از نگهداری داده ها، صرفاً تثبیت این داده ها نشد و تنها گفته شده که باید چنین داده هایی نگهداری شود آن هم تنها از سوی دو گروه ارایه دهندگان خدمات دسترسی و ارایه دهندگان خدمات مخابراتی.

هر دو این عناوین در عرف حرفه ای این حوزه مفاهیم و مصادیق روشنی دارند و به سادگی نمی توان گروهی را از آنها جدا کرد یا گروهی را بر آنها افزود و انتظار می رود که نگهداری داده ها و اطلاعات پایه برنظر مرده در این قانون، یعنی داده های ترافیک و اطلاعات کاربران، بخشی عمده ای از اهداف نظام کیفری سایبری را در مرحله مقدماتی محقق گرداند و بتوان گاه های بعدی بپردازد جرمان سایبری را مطمئن تر و اثربخش تر بداند.

توسعه این مخاطبان به سطوح و لایه های دیگر تعاملات سایبری، یعنی گروهی که کار دیگری به جز دسترسی و مزیبائی انجام می دهند یا مطالعه داده ها و اطلاعاتی به جز اینها موضوع راجع انگیز می سازد. در حالی که تسارع خدماتی به جز دسترسی و مزیبائی می رویم، از لایه پرداخت تا نگهداری این داده ها قانون گذار بوده، فاصله گرفته ایم و گروهی دیگر را به آنها افزوده ایم که در داده های گذار نبوده اند. ضمن این که در قوانین سایر کشورها نیز چنین رویه ای وجود ندارد که احکام نگهداری داده ها به همه کنشگران سایبری بار شود. حتی قانون گذار برای جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده احتمالی از این داده ها و اطلاعات، الزام به نگهداری آنها را تنها برای پدیدآورندگان شان، یعنی ارایه دهندگان خدمات دسترسی و مزیبائی مقرر داشته و در این مرحله هیچ مقامی نمی تواند آنها را ملزم کند. نسخه ای از داده ها و اطلاعات نگهداری شده، از البته به موجب این قانون در اختیار قرار دهد تا جداگانه نگهداری کند.

حقوق شهروندی وقتی تحقق می یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن این که شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه های مختلف مشارکت داشته و در برابر مشکلات و چالش های اجتماعی، پژوهشگران، دانشجویان، فعالان اجتماعی و نه تنها در سطح محلی بلکه در سطح ملی و بین المللی هم مشارکت داشته باشند. در سطح محلی و منطقه ای، شهروندان با استفاده از ابزارهای مختلف می توانند در تعیین سرنوشت خود و جامعه خود مشارکت داشته باشند.

حقوق شهروندی وقتی تحقق می یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن این که شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه های مختلف مشارکت داشته و در برابر مشکلات و چالش های اجتماعی، پژوهشگران، دانشجویان، فعالان اجتماعی و نه تنها در سطح محلی بلکه در سطح ملی و بین المللی هم مشارکت داشته باشند. در سطح محلی و منطقه ای، شهروندان با استفاده از ابزارهای مختلف می توانند در تعیین سرنوشت خود و جامعه خود مشارکت داشته باشند.

دانستنی های حقوقی

مرجع رسیدگی به دعاوی خانوادگی ایرانیان مقیم خارج از کشور

میزان | مواد ۱۴ و ۱۵ قانون حمایت از خانواده مرجع رسیدگی به دعاوی خانوادگی ایرانیان مقیم خارج از کشور را مشخص کرده است. ماده ۱۴ بیان می دارد: هرگاه یکی از زوجین مقیم خارج از کشور باشد، دادگاه محل اقامت طرفی که در ایران اقامت دارد برای رسیدگی صلاح است. اگر زوجین مقیم خارج از کشور باشند، ولی یکی از آنان در ایران سکونت موقت داشته باشد، دادگاه محل سکونت فرد ساکن در ایران است و اگر هر دو در ایران سکونت موقت داشته باشند، دادگاه محل سکونت موقت زوج برای رسیدگی صلاح است. هرگاه هیچ یک از زوجین در ایران سکونت نداشته باشند، دادگاه شهرستان تهران صلاحیت رسیدگی دارد، مگر آن که زوجین برای اقامه دعوی در محل دیگر توافق کنند.

مهمترین ماده ۱۵ تصریح دارد که هرگاه ایرانیان مقیم خارج از کشور امور و دعاوی خانوادگی خود را در محاکم و مراجع صلاحیت دار محل اقامت خویش مطرح کنند، احکام این محاکم بیساعت مراجع در ایران اجرا نمی شود، مگر آن که دادگاه صلاحیت دار ایرانی این احکام را بررسی و حکم تنفیذی صادر کند و ناظر به پرونده های جریانی است.

از سوی دیگر اداره حقوقی قوه قضائیه در این زمینه نظریه مشورتی صادر کرده است. مطابق با نظریه شماره ۷۱۲۰۷/۱۹-۷/۱۲۹/۱۹ اداره حقوقی معاونت قوه قضائیه مستنداً به ماده ۱۵ قانون حمایت از خانواده مصوب ۹۱ و ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، حکم طلاق صادره از دادگاه آلمان در مورد زوجین ایرانی، زمانی واجد اثر حقوقی در ایران می شود و قابلیت اجرا می یابد که در دادگاه خانواده ایران تنفیذ شود؛ بنابراین برای تنفیذ طلاق با توجه به ماده ۱۵ ضمه ارایه مدارک مستندات مربوطه، مبادرت به تقدیم دادخواست تنفیذ طلاق در دادگاه خانواده صلاح است و در خصوص صلاحیت محلی دادگاه نامبرده نیز مفاد ماده ۱۴ قانون

اخیرالذکر ملاحظه است. -نظریه شماره ۷۱۲۶۰-۱۹/۷۱۲۰۷-۱۳۹۲/۳۰- نیز بیان می دارد: مطابق ماده ۱۵/۱۳۹۲/۱۵ احکام صادره از دادگاه های خارجی در مورد ایرانیان مقیم خارج از کشور اجرائی نمی شود، مگر این که احکام مذکور در دادگاه های صلاحیت دار ایران تنفیذ شود. دادگاه های صلاحیت دار برای تنفیذ این احکام مطابق ماده ۱۷۰ قانون اجرای احکام مدنی دادگاه شهرستان تهران است که در حال حاضر با توجه به تغییر قوانین راجع به محاکم دادگاه خانواده تهران است؛ بنابراین دادگاه خانواده تهران مطابق ماده ۱۷۴ قانون اجرای احکام مدنی در صورت تنفیذ حکم بیساعت مراجع برای قاتون اخیرالذکر دستور اجرای آن را صادر می کند و در صورتی که رأی صادره قابل تنفیذ نباشد، بر اساس قسمت اخیر ماده ۱۷۴ قانون مذکور با ذکر علل و جهات آن، رد تقاضا از اعلام می کند و رأی صادره پس از ابلاغ به منقاضی طرف مهلت قانونی قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان خواهد بود. دادگاه تجدیدنظر در صورت فسخ رأی صادره از دادگاه خانواده و صدور حکم به تنفیذ حکم صادره از دادگاه خارجی، حسب مقررات ماده ۱۷۶ قانون اجرای احکام مدنی دستور اجرای رأی دادگاه خارجی را صادر می کند. اما در صورت تایید رد تقاضا، پرونده مختومه می شود. مهلت تجدیدنظر خواهی با توجه به مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی (ماده ۳۳۶ این قانون) برای اشخاص مقیم ایران ۲۰ روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ است. ضمناً دادگاه تجدیدنظر فقط دستور اجرا را می دهد. در این صورت طبق ماده ۱۵ قانون اجرای احکام مدنی، دادگاه نخستین باید اجرائیه را صادر و طبق رأی دادگاه تجدید نظر اقدام کند.